

## سندی در قرائت قرآن از: مصطفی قاری

به کوشش: محمدجواد طالبی

### مقدمه

نسخه خطی شماره ۲/۲۲۱۷۰ کتابخانه آستان قدس رضوی شامل سه رساله به شرح زیر است:

۱- تحفه القراء = تحفه القاری . از مصطفی بن ابراهیم قاری

۲- ارشاد قاری . از مصطفی بن ابراهیم قاری

۳- تحفه اهل الله = معرفه رسم خط کلام الله . از ناشناخته<sup>۱</sup>

در انجام کتاب سوم مبحثی مجزا تحت عنوان فصل پنجم، مطالبی در احوال محمد رضا قاری سبزواری (درگذشته ۱۰۵۵ق) توسط یکی از شاگردان ایشان به نام مصطفی بن ابراهیم القاری تبریزی المشهدی آمده است.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه (الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة) ص ۵۶۵-۵۶۶ در معرفی نگارنده این فائده چنین آورده است:

مصطفی التبریزی ابن محمد ابراهیم القاری المشهدی صاحب «تحفة القراء» و «تحفة

۱. فهرست آستان قدس رضوی ج ۲۳، ص ۶۰.

الابرار» و «وقوف القرآن» و رسالة «سند قراءة عاصم».

ترجم نفسه فى الفصل الخامس من تلك الرسالة التى فيها بعد «تحفة القارى» فى ١٠٦٧ و عمره ستون سنة وقت التاليف و ذكرانه ولد فى توابع تبريز فى ١٠٠٧ و جاور مشهد الرضا وله عشرون سنة و قرأ القرآن على والده أولاً.

ثم قرأ فى ١٠٣٠ بقراءة عاصم على الحاج محمد رضا بن الحاج محب على السبزوارى الذى قراء على والده أولاً ثم على المولى محمد امين الذى قراء على جده الملا عمادالدين على الشريف القارى الاسترآبادى بسنده المذكور فى تصانيفه و تشرف بزيارة العتبات ثلاث مرات و للحج ثلاث مرات و فى الحجة الثانية قرأ بمكة على اسماعيل القارى و قرأ فى سائر اسفاره على جمع من قراء العرب مدة ثلاثين سنة، و كتب فى حجة الثالث ١٠٦٧ «التحفة» بين الحرمين راجعا عن الحج و لما حج و رجع الى اصفهان، لازم خدمة مجتهد الزمان الآخوند الملا محمد الخراسانى، يراجع فى مشكلاته و يأخذ منه احكامه، منها حكم الخلاف فى آية السجدة فانه قال { اسجد الاولى وجوبا و الثانية بقصد القرية } و كتب فى منزل الآخوند المذكور رسالة «وقوف القرآن» فى ١٠٦٨،

اقول: المظنون ان كلمة «باقر» سقط عن الكاتب فان المجتهد الخراسانى الموصوف بالاوصاف فى التاريخ ما كان فى اصفهان الا محمد باقر السبزوارى .

ثم رايت كتاب «ارشاد القارى» صرح فى اوله انه اخذ مشكلاته عن سلطان المحققين برهان المدققين قدوة العالمين مجتهد الزمان المولى محمد باقر و ذكر ان تاليف ارشاد القارى كان فى خمس سنين شرع فيه بكر بلاء و فرغ منه فى النجف فى ١٠٧٨ وله يومئذ سبعون سنة و هو كتاب كبير مبسوط فيه الزبدة و النتيجة من مجموع عمره و لعله آخر تصانيفه و النسخة فى كتب محمد على (الخونسارى)

اقول : رايت اخيرا كتابه الموسوم «تحفة شاهى» لانه شرع فى تاليفه فى النجف {مرقد شاه ولايت فى رمضان ١٠٨٨} و رتبته على خمسة ابواب لانه تممه فى مرقد خامس آل العباء و النسخة فى مكتبة (امير المومنين (ع) العامة فى النجف) و احوال فيه الى كتابه «ارشاد القارى» (الذريعه ج ١ رقم ٥١٦)

علامه تهرانی در طبقات اعلام الشیعه (الروضة النضرة...) صفحه ۲۱۹ به معرفی محمد رضا قاری پرداخته است: «محمد رضا السبزواری ابن محب علی المشهدی القاری الحافظ بالروضة الرضویه» فی رساله فی «سند قراءة عاصم» وقد قرأ علیه من ۱۰۳۰ وقال {انه العالم بالعلوم الدینیة والمقدس الورع التقی المصنف فی التجوید نظماً} وهو ترجمه تلمیذه مصطفی بن ابراهیم السبزواری المشهدی وهو «حیة جاودانی» (الذریعه جلد ۷ رقم ۶۲۱) بالفارسیه مقابل «حرز الامانی» الشاطبیه، و نثراً هو «تحفة المحسنین» قال وكان من حفاظ الحرم الشریف الرضوی الی ان توفی عن ستین من العمر او ازید فی ۱۰۵۵ ودفن فی رواق الحضرة الشریفة الرضویه من جانب الرجل. وقد اخذ القراءة اولاً عن والده التقی النقی الصالح الذکی الحاج محب علی السبزواری، ثم قرأ فی الروضة الرضویه علی محمد امین، وهو قراء علی جده عمادالدین علی الشریف القاری الاسترآبادی الاستاذ الشهیر فی القراءة المصنف فیها بالعربیة والفارسیة بسنده المذكور ویظهر من جعفر بن کمال فی ارجوزته فی التجوید المسماة «الکامل» (الذریعه جلد ۱۷ رقم ۲۵۶) عند ذکر اساتیده ان اسم والده یوسف قال {والفاضل الرضا بن یوسف التقی الحافظ الطوسی السبزواری البیهقی} فیظهر ان محب علی لقب یوسف او انه ابوه الروحانی لانه الاستاد.



در این مقاله، مصطفی تبریزی به بیان سند قرائت استادش محمد رضا قاری السبزواری تحت عنوان «فصل پنجم» رساله اش به شرح زیر می پردازد:

### فصل پنجم:

در بیان سند قراءت استاد فقیر.

بدانکه استاد فقیر مغفرت پناه جنت آرامگاه، حاجی محمد رضای قاری نام داشت و از شهر سبزوار بود و حافظ حرم محترم بهشت نشان امام الانس و الجن اعنی علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیه و الثنا بود در کمال تقدس ذات و پاکیزگی صفات بود. عالم بعلم دینی و عارف بمسائل طریق امامیه بود و تصانیف در علم قراءت از نظم بسیار داشت بتخصیص

حیات جاودانی نظم بفارسی در جواب حرز الامانی که شاطبی است و تحفة المحسنین نشرو دیگر از اوصاف حمیده و اخلاق مرضیه آن نیکو خصال پسندیده فعال چه گویم و چه نویسم که زبان از بیان آن قاصرو قلم از تحریر آن کاسراست. و در سن شصت یا متجاوز از شصت در سنه هزار و پنجاه و پنج از دار فنا بدار بقا رحلت نموده بجوار رحمت ملک غفور پیوسته بدار السرور انتقال نمودند و در مشهد مقدس در پائین پای حضرت علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیه و الثنا در مقام رضا مدفون گشت چنانکه استاد مغفور پرور خود فرموده بود، در مقام رضا میشد، آنکه چه بتاه [؟] مقاماتی، اللهم اغفره و لجميع المومنین و المومنات بحق محمد و اله المعصومین و زوجات الطاهرات.

و والد ماجد ایشان، حاجی بیت الله، زائر حرم رسول الله، اتقی النقی، الصالح الزکی، محب علی سبزواری رحمة الله علیه، نام داشت و استاد میفرمود که:

اولا قراءت پیش پدر خواندم و ثانیاً در روضه مطهر امام ثامن ضامن صلوات الله علیه بر مغفرت پناه رضوان جایگاه امین دین مبین آخوند مولانا محمد امین رحمة الله علیه و او فرمود که خواندم قراءت قرآن را بر جد بزرگوار خود الواصل الی جوار رحمت الله الملك الباری مولانا عماد الدین علی الشریف القاری الاسترآبادی رحمه الله و مولانا مشارالیه بسیار بزرگ و جلیل القدر بودند و در علم قراءت و عربیت سرآمد بود و در تلاوت و عبادت کس به او نرسید و تصانیف عبری و فارسی در قراءت بسیار دارد و او سند قراءت خود را در یکی از تصانیف خود ذکر کرده و فقیر کلام آن بزرگ دین را بعینه درین مختصر ذکر کنم و آن اینست:

بدان ایدک الله تعالی فی الدارین که فقیر قرآن را خواندم من اوله الی آخره بروایت بکر در حایر حضرت امام حسین علیه السلام بر استاد خود سید حسین الحسینی الاسترآبادی المعروف بسید المغربی و اجازه داد مرا ایضا و او مرا خبر داد که خوانده ام قرآن را بر شیخ محمد مغربی در مدینه منوره متبرکه که حضرت رسول الله و او خبر داد که خوانده ام قرآن را بر شیخ محمد جزری و او خبر داد که خوانده ام بر احمد بن حسین بن سلمان و او گفت که خوانده ام بر پدر خود و او گفت که خوانده ام بر ابی محمد یورقی و او گفت خوانده ام بر ابی الیمین الکندی و او گفت خوانده ام بر ابی محمد سبط الخیاط البغدادی و او گفت خوانده ام بر ابی الحسن علی بن

طلحه بن محمد البصری و او گفت خوانده ام بر یوسف بن یعقوب واسطی و او گفت خوانده ام بر شعیب الصیرفی و او گفت خوانده ام بر یحیی بن آدم و او گفت خوانده ام بر بکر شعیبه بن عیاش و او گفت خوانده ام بر عاصم بن بهزله اسدی که سابقاً مذکور شد و بروایت حفص نیز در حایر امام حسین علیه السلام خوانده بر سید مذکور و او گفت که خوانده ام بر شیخ محمد مغربی مذکور در مدینه رسول الله صلی الله علیه و آله و او گفت خوانده ام بر شیخ جزری و او گفت خوانده ام بر ابوالعیاش احمد بن محمد الحسینی الفیروزآبادی و او گفت خوانده ام بر علی بن احمد و او گفت خوانده ام بر ابوالیمین زید بن حسن و او گفت خوانده ام بر عبدالله بن علی البغدادی و او گفت خوانده ام بر ابوالفضل الشریف و او گفت خوانده ام بر عبدالله الکاظمی و او گفت خوانده ام بر ابوعلی حسن بن احمد بن هلالی در دمشق و او گفت خوانده ام بر ابوالحسن علی بن احمد و او گفت خوانده ام بر ابی المکارم اللبان،<sup>۱</sup> و او گفت خوانده ام بر ابو.



۱. به جهت کاستی نسخه ترجمه نفر آخر ذکر می شود: القاضی العالم، مسند اصیبهان، ابوالمکارم، احمد بن ابی عیسی محمد بن محمد ابن الامام عبدالله بن محمد بن عبدالرحمان بن محمد ابن المحدث عبدالله بن محمد بن النعمان بن عبدالسلام، التیمی الاصبهانی الشروطی، ابن اللبان.

ولد فی صفر سنة سبع، وقال مرة: سنة ست وخمس مئة

وهو من یتم الله بن ثلعة

وقیل: بل ولد سنة اربع وخمس مئة، حکاه الحافظ الضیاء.

وهو مکرر عن ابی علی الحداد، وتفرد باجازه عبدالغفار الشیروی الراوی عن اصحاب الاصل.

حدث عنه: العزم محمد، و ابوموسی ولد الحافظ عبدالغنی، و اسماعیل بن ظفر، و یوسف بن خلیل، و ابورشید الغزال، و عدة.

و بالاجازة احمد بن سلامة، و الفخر ابن البخاری، طائفة.

مات فی السابع والعشرین من ذی الحجة سنة سبع وتسعين وخمس مئة.

(سیر اعلام النبلاء، ذهبی: ج ۲۱ ص ۳۶۲ شماره ۱۸۹).